

آرمان شهر و روشهای حکومت آرمانی در تفکر اسلامی

دکتر بدرالدین اورعی یزدانی

استادیار مدیریت دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

در این مقاله با استفاده از قرآن کریم و نهج البلاغه امام علی (ع) ویژگیهای جامعه آرمانی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. این ویژگیها به دودسته تقسیم شده‌اند:

۱- ویژگیهای جامعه اسلامی و شهروندان آن. این ویژگیها به قرار ذیل هستند:

- بلوغ، که نتیجه توجه اسلام به دانش، قدرت تشخیص و نفی تقلید از دیگران است؛

- تأمین نیازهای ائمنی در ابعاد مختلف مانند: امنیت اقتصادی، امنیت روانی و امنیت اجتماعی.

۲- ویژگیهای حکومت آرمانی اسلامی؛ این ویژگیها به ترتیب زیر فهرست شده‌اند:

نظام شایستگی؛

اجتناب از خودکامگی و تفرغن؛

برابری در برابر قانون؛

نقش تربیتی مدیران؛

ساده‌زستی مدیران؛

ارتباط مستقیم مدیران با مردم؛

تأکید شدید بر رعایت حال طبقه ضعیف.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌ارمانی، امنیت اقتصادی- اجتماعی و روانی، نظام شایستگی، ساددزیستی،

مسئولیت متقابل

مقدمه

اندیشه آرمان شهری، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ بشری دارد. یکی از آرزهای آدمی در طول تاریخ، دستیابی به جامعه‌ای بوده است که در آن رستگاری خوش را تحقق بخشد، در فضایی بایسته استعداد‌های خود را از توه به فعل آورد و کمال معنوی را با آرامش روحی و بی‌نیازی مادی در آمیزد. آرمان شهر، زمانی جنبه اسطوره‌ای داشت. کهن‌ترین افسانه شناخته شده درباره بهشت این جهانی با آرمان شهر، پهلوان نامه گیل‌گمش، پادشاه افسانه‌ای شهر (اوروک)* است که در اساطیر سومری و بابلی آمده است.

در اساطیر ایران باستان، روزگار فرمانروایی جمشید- پیش از آنکه وی مرتکب گناه شود و تباه گردد- عصر زرین (آرمان شهر) جامعه ایرانی معرفی شده است.

مدینه فاضله افلاطون، یوتوپای توماس مور،** شهر آفتاب کامپانلا*** و اتلانتیس جدید فرانسیس بیکن**** بیان‌های دیگر آرمان شهر هستند.

در متون اسلامی «ارم ذات‌العماد»، بهشتی است که به فرمان نداد بن عاد ساخته شد و پس از مرگ او، از نظر پنهان گردید. احادیث و اخباری که ظهور حضرت مهدی (عج) و حکومت او را بشارت می‌دهد و جمعاً در مقوله‌های حکومت جهانی، برابری و فراوانی دسته‌بندی می‌شوند، دورنمای یک نظام آرمانی را در آینده ترسیم می‌کنند. شهر صالحان در تفسیر طبری، مدینه فاضله فارابی، مدینه عادلّه ابن‌سینا، مدینه فاضله خواجه نصیر طوسی در اخلاق ناصری، شهر زیبایی در اقبالنامه نظامی گنجوی، شهر نیکویی در خردنامه اسکندری جامی، همگی تجسم‌هایی از

* ORock

** Thomas Mour

*** Campanla

**** Fransis Baycan

آرمان شهر یا ناکجاآباد به شمار می‌روند.

ویژگیهای جامعه آرمانی اسلامی

ویژگیهای اساسی آرمان شهر اسلامی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف - بلوغ

- جامعه آرمانی اسلامی جامعه افراد بالغ است و تفکر، برزین ویژگی مردم چنین جامعه‌ای می‌باشد. قرآن کریم به نبی گرامی اسلام چنین دستور می‌دهد:

بگو: شما را به یک چیز اندرز می‌دهم: دو دو و یک یک برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید. (سبا/۴۶)

- در مکتب اسلام بلندترین ستایشها از علم و دانش شده است. اسلام علم را نور و ذات خداوند را هم نور دانسته است: "... نورالسموات والارض؛ خداوند نور آسمانها و زمین است." "العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء؛ علم نوری است که خداوند آن را در دل هرکسی که بخواهد می‌افکند."

- خداوند قدرت تشخیص را لازمه بندگی خود دانسته است:

بشارت باد بر آن بندگان که سخن را بشنوند و نیکوتر آن را عمل کنند؛ آنان هستند که خدا آنها را به لطف خاص خود هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان هستند. (زبر/۱۷)

استاد مطهری در تفسیر این آیه چنین آورده‌اند: «بندگان مرانویده، آن بندگان این چنانی. اساساً شروع شدن این مطلب به این صورت، گویا برای این است که قرآن بگوید بنده خدا آن است که چنین باشد. لازمه بندگی خدا این است. یستمعون می‌گویند و یسمعون نمی‌گویند. سماع شنیدن است ولی استماع گوش فرا دادن است؛ یعنی خود را آماده کردن برای شنیدن، این هدایت خداست (با اینکه هدایت، هدایت عقلی است، آیه آن را هدایت الهی می‌داند) و اینها مستند به

معنی واقعی صاحبان عقل. (تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۹)

- امیر مؤمنان خطاب به مردم مصر، بعد از معرفی مالک از آنان می‌خواهد که دستوراتش را فقط در صورتی که بر حق منطبق باشد، بپذیرند:

"اما بعد، بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم... آنجا که حق بود سخن او را بشنید و او را فرمان برید." (نهج، نامه ۳۸)

- در احادیث ما از زبان حضرت مسیح (ع) آمده است که فرمود: "حق را بگیرید و بپذیرید ولو از اهل باطل؛ اما باطل را هرگز نگیرید و نپذیرید ولو از اهل حق. خودتان صراف سخن سخن شناس باشید." (مرتضی مطهری، ده‌گفتار، ص ۱۶۲)

- اصل اول دین توحید است که در آن تقلید و تعبد به هیچ وجه جایز نیست و باید اعتقاد به یگانگی پروردگار از طریق تحقیق و تجسس به دست آید. (همان، ص ۱۶۴)

- تقلید به معنای پیروی کورکورانه از محیط و عادت و نشنیدن و نیندیشیدن، نه تنها ممنوع است؛ بلکه ریشه و علت همه گناهان به شمار می‌رود. در سوره ملک، وقتی مأموران عذاب از جهنمیان می‌پرسند چرا جهنمی شدید پاسخ می‌دهند:

"اگر می‌شنیدیم یا تعقل می‌کردیم، اهل این آتش سوزنده نبودیم، پس به گناه خود اعتراف کردند." (ملک، ۱۱-۹)

می‌بینیم که خداوند می‌فرماید پس به تنها گناهشان اعتراف کردند (نه گناهانشان)، جمع نمی‌بندد؛ یعنی ریشه تمام گناهان عدم تعقل است.

نه تنها چنین تقلیدی ممنوع است؛ بلکه همان تقلید جاهل از عالم و رجوع عامی به فقیه هم بر دو قسم است: ممنوع و مشروع.

تقلید ممنوع سرسپردن است و تقلید مشروع چشم‌باز کردن است و چشم‌بازداشتن؛ چنانکه امام صادق (ع) در حدیثی که در ذیل آیه ۱۰ منهم امیون لایعلمون الكتاب الا امانی و ان هم الا یظنون (بقره، ۷۸) آمده، فرموده است که اگر عوام امت ما در فقه‌های خود اعمال خلاف، تعصب

شدید، تزامم بر سر دنیا، طرفداری از طرفداران خود (هر چند ناصالح باشند)، کوبیدن مخالفان خود (هر چند مستحق احسان و نیکی باشند) بینند و باز هم چشم خود را ببندند و از آنها پیروی کنند، عیناً همانند عوام یهودند و مورد مذمت و ملامت هستند. بنابراین تقلید ممدوح و مشروع سرسپردن و چشم بستن نیست؛ بلکه چشم‌باز کردن و مراقب بودن است و اگر نه مسؤولیت و شرکت در جرم است. (مرتضی مطهری، ده گفتار، صص ۱۱۴-۱۱۰)

- هدف انبیای الهی ایجاد چنان بلوغی در جامعه است که افراد خود به اقامه قسط پردازند و در این زمینه خودگردان شوند: «ما پیامبران را با دلیلهای روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند.» (حدید / ۲۵)

- امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ویژگیهای جامعه ولایی است و به عقیده بزرگان چون شیخ طوسی واجب عینی است، مشروع به شناخت معروف و منکر است و این شناخت هم شرط واجب است نه شرط وجوب؛ یعنی برای انجام امر به معروف و نهی از منکر باید به دنبال شناخت معروف و منکر رفت (حسین نوری، ۱۳۷۱، ص ۱۲۷)

ب- تأمین امنیت اقتصادی و اجتماعی و روانی

در جامعه آرمانی اسلامی نیاز به امنیت در همه ابعاد آن تأمین می‌شود:

۱- امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی از طریق وجوب خمس و زکات و استحباب انفاق، صدقات و نیز از طریق معاون فراهم می‌آید. بعضی از شواهد در این مورد عبارتند از:

- بدانید که هر گاه چیزی به غنیمت گرفتید، خمس آن از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است. (انفال / ۴۱)

- و نماز را بر پای دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید. (بقره / ۴۳)

- مزد کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و پس از انفاق منتی نمی‌نهند و آزاری

نمی‌رسانند، با پروردگارشان است. (بقره/۲۶۲)

- پس وای بر آن نمازگزارانی که در نماز خود سهل انگارند، آنان که ریا می‌کنند و از دادن ماعون (حوائج عامه) دریغ می‌ورزند. (ماعون /۷-۴)

اگر در جامعه اسلامی چنین فرامینی جدی گرفته شود، کمبودهای مادی باعث محرومیت از تحصیل، بهداشت و موجب عقب ماندگی فرهنگی نخواهد شد.

۲- امنیت روانی که از طریق تأکید بر وفای به عهد، راستگویی و اجتناب از دروغ، ادای شهادت و حفظ امانت و رعایت احترام تأمین می‌شود. شواهد زیر این ویژگی را اثبات می‌کند:

امیر مؤمنان می‌فرماید: «مردم! همانا وفا همزاد راستی است و هیچ سپری چون وفا بازدارنده گزند نیست.» (نهج البلاغه، خطبه ۴۱)

و نیز می‌فرماید: «از دروغ دوری گزینید که از ایمان به دور است و چراغ او بی نور، راستگو بر کنگره‌های رستگاری و بزرگواری است و دروغگو در کناره مناک و خواری.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶)

- قرآن کریم در آیه سوره نساء می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عدالت فرمانروا باشید و برای خدا شهادت دهید هر چند به زیان خود یا پدر و مادر یا خویشاوندان شما - چه توانگر چه درویش - بوده باشد؛ زیرا خداوند به آن دو سزاوارتر است.» (نساء/۱۳۵)

- و نیز می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، زنهار در کار دین با خدا و رسول خیانت مکنید و در کار دنیا با یکدیگر، در صورتی که شما می‌دانید.» (انفال/۲۷)

- از ابی عبدالله (ع) روایت شده است که جبیرئیل بر پیغمبر نازل شد و گفت ای محمد خدایت می‌گوید: کسی که بنده مؤمن را خوار بداند مرا به جنگ خوانده است. (اورعی یزدانی، دانش مدیریت، شماره ۲۳، ص ۱۲)

- به نظر می‌رسد رعایت احترام افراد در فرهنگ اسلامی بیش از مسائل دیگر مورد تأیید باشد. حضرت اباعبدالله فرموده است: «کسی که برادر مسلمان خود را که بر او وارد شده است

احترام نماید، خدا را احترام کرده است.» (همان مأخذ ص ۱۲)

اهمیت احترام به دیگران در حدی است که علی، علیه السلام، اهانت؛ یعنی محرومیت از عزت و حرمت را وسیله تنبیه کسانی معرفی فرموده است که کرامت در اصلاح آنان بی اثر است: من لم تصلحه الکرامة اصلحه الاماتته: کسی که کرامت او را به صلاح نیاورد، اهانت اصلاحش می‌کند. (همان مأخذ، ص ۱۲)

در جامعه اسلامی احترام در هر دو وجه خویش مورد توجه است:

الف- عزت نفس و مراتب کرامت انسانی.

قرآن کریم می‌فرماید: «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را بر مرکب بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم.» (اسراء/۷۰)

چنین تعبیری از شرافت و کرامت انسان، در او شخصی به وجود می‌آورد که از خود انتظاراتی بالا پیدا کند و ارتکاب گناه را در شدن خود نداند و در نتیجه به تعبیر قرآن، وقتی با کارهای بیهوده روبرو شود، بزرگوارانه از کنار آن بگذرد (قرقان/۷۲) و بدین ترتیب مکانیسم خود کنترلی در او استقرار یابد.

ب- آبروداری؛ یعنی نگهداری از حرمت خویش نزد دیگران.

حسین بن علی (ع) فرموده است: مرگ از تحمل خفت برتر است و وارد شدن به جهنم بر تحمل خفت برتری دارد.

در حدیث آمده است که خداوند تعالی همه امور مؤمن را به او تفویض کرده است؛ اما اختیار ذلیل بودن را به او نداده است. (مرتضی مطهری، انسان کامل، ص ۲۶۶)

به دلیل همین اهمیت عزت و احترام افراد است که امیرالمؤمنین در فرمان خود به مالک اشتر، او را از منت گذاشتن بر مردم و خدمات خود را به رخ آنها کشیدن، منع فرموده است: «بر حذر باش از اینکه برای احسانی که به رعیت می‌کنی بر سر آنان منتی بگذاری و یا کاری را که

برایشان انجام می‌دهی، زیادتیر از اندازه به رخشان بکشی و بزرگ جلوه بدهی.» (نامه ۵۳)

۳- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی در گرو عدالت اجتماعی است که به شواهد زیر برای لزوم عدالت اجتماعی اکتفا می‌شود:

- هدف انبیا آن است که چنان ایمان به خدا و معاد را در مردم زنده کنند و چنان اخلاق و طرز تفکر الهی را در تار و پود جامعه جاری کنند که خود مردم به عدالت برخیزند و جامعه عادلانه تشکیل دهند: «لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید/۴۵)

ما پیامبران خود را با دلائل روشن و کتاب آسمانی و معیار سنجش حق و باطل، برای مردم فرستادیم تا با آگاهی و انتخاب، به عدل قیام کنند. از آنجا که وجود جامعه مبتنی بر عدالت هم نیاز به قدرت معنوی دارد و هم نیاز به قدرت مادی، در آیه فوق به هر دو قدرت اشاره شده است. بینات و کتاب و میزان هر یک قدرت و پشتوانه‌ای معنوی برای استقرار عدل است و جمله «وانزلنا الحديد» که در دنباله این آیه است، اشاره به قدرت مادی می‌کند که متخلفان بدانند هر گاه لجاجت و کارشکنی کنند با قدرت منکوب می‌شوند. (اررعی بزدانی، طراحی الگوی انگیزش در اسلام، ص ۱۰۸)

- قرآن به مؤمنان دستور داده است که حب ذات و علاقه‌ها و روابط آنها را از مرز عدالت منحرف نسازد: ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عدالت فرمانرا باشید و برای خدا شهادت دهید هر چند به زیان خود یا پدر و مادر یا خویشاوندان شما - چه توانگر و چه درویش - برده باشد زیرا خداوند به آن دو سزاوارتر است. (نساء/۱۳۵)

- به همین ترتیب از مداخله ناراحتی‌هایی که انسان از فرد یا گروهی می‌بیند، در داوری منع شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا، گفتن حق را بر پای خیزید و به عدل گواهی دهید. دشمنی با گروهی دیگر و ادارتان نکند که عدالت نورزید، عدالت ورزید که به تقوی

نزدیکتر است و از خدا بترسید که او به هر کاری که می‌کنید آگاه است. (مأئده/۸)

- اسلام به اندازه‌ای در این جهات، دقت به خرج می‌دهد که حتی سفارش کرده است که در مهمانی‌ها اگر برای شستشوی دست مهمانان قبل از غذا از طرف راست مجلس شروع کردید، بعد از غذا که برای شستن دست‌ها آب می‌آورید، از طرف چپ شروع کنید تا آنکه قبل از صرف غذا اول از همه قرار گرفته بعد از صرف غذا بعد از همه افراد دست خود را بشوید. (اورعی بزدانی، طراحی الگوی انگیزش در اسلام، ص ۱۰۹) نکوهش بسیار شدید از ظلم و ظالم و تأکید بر حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم روی دیگر سکه عدالت جویی در اسلام است.

- در حدیث نبوی آمده است که خداوند، عز و جل، می‌فرماید: قسم به عزت و جلال که از ستمگر در هم اکنون و آینده انتقام خواهم گرفت و نیز از کسی که مظلومی را ببیند و بتواند او را یاری نماید و یاری ننماید. (همان مأخذ، ص ۱۲۴)

- امیر مؤمنان در وصیت‌نامه خود به حضرت امام حسن (ع) و حضرت امام حسین (ع) می‌فرماید:

(با ستمکار در پیکار باشید و ستمدیده را یاز) (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

- در خطبه شششنبه امام علی (ع) یکی از دلایل قبول خلافت را وظیفه علما در مبارزه با ظالم و حمایت از مظلوم می‌داند: (به خدایی که دانه را کفید و جان را آفرید، اگر این بیعت‌کنندگان نبودند یاران حجت بر من تمام نمی‌نمودند و خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکباره را برنتابند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته این کار از دست می‌گذاشتم... (نهج البلاغه، خطبه ۳)

این سخن امام هشداری است به همه اندیشمندان و علمای امتها که وقتی امکانات تشکیل حکومت و اجرای عدل و قسط الهی فراهم گردد، سکوتشان مسؤولیت آفرین است. باید قیام کنند و برای عدالت و اجرای فرمان خدا مبارزه با ظالمان را شروع نمایند. آنها که می‌پندارند تنها با انجام فریضی همچون نماز و روزه و حج و پاره‌ای از مستحبات، وظیفه خود را انجام داده‌اند

سخت در اشتباهند. اجرای عدالت و حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم نیز در متن وظایف اسلامی آنان قرار دارد. (ناصر مکارم، ۱۳۷۹، ص ۴۰۰)

۴- مسؤولیت متقابل

- جامعه ایده‌آل اسلامی، جامعه وابستگی و ارتباط متقابل بنیادین است؛ از آن نوع وابستگی که بین اعضاء بدن انسان وجود دارد. حدیث نبوی می‌گوید: «مثل اهل ایمان در دوستی متقابل و مهربانی، مثل اعضای یک پیکر است وقتی عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا با تب و بیدار خوابی با آن همدردی می‌کنند.» سعدی ابن حدیث را چنین به شعر آورده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش زیک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر اعضاها را نماند قرار

استاد مطهری یادآوری کرده‌اند که مفهوم حدیث، فقط مؤمنان را در بر می‌گیرد و نه همه بشر را؛ ولی چنین به نظر می‌رسد که علاوه بر توسع شاعرانه، سعدی در این ابیات هم به حدیث نبوی نظر داشته و هم به مفهوم آیه تعارف.

- امیرمؤمنان خطاب به فرزندش حسن می‌فرماید: «پسرکم! خود را میان خویش و دیگری میزانی بشمار؛ پس آنچه برای خود دوست می‌داری برای غیر خود دوست بدار و آنچه تو را خوش نیاید برای او ناخوش بشمار و ستم مکن چنانچه دوست نداری بر تو ستم رود و نیکی کن چنانچه دوست می‌داری که به تو نیکی کنند و آنچه را برای جز خود زشت می‌داری برای خود زشت بدان و از مردم برای خود آن پسند که از خود می‌پسندی در حق آنان و مگوی به دیگران آنچه را نمی‌دانی و مگوی آنچه را دوست نداری به تو گویند.» (نهج البلاغه نامه ۳۱) و نیز فرموده است: «اتقوا فی عباد و بلاهه فانکم مسؤولان حتی عن البقاع و البهائم: خدا پروا بشید در مورد بندگان خدا و شهرهای خدا؛ زیرا شما حتی برای نباتها و حیوانات مسئولیت دارید.» (نهج البلاغه خطبه ۱۶۷)

- قرآن کریم می‌فرماید: «مؤمن بر مؤمن حن و ولایت دارد: مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان

یکدیگرند؛ به نیکی فرمان می دهند و از ناشایست باز می دارند و نماز می گزارند و زکات می دهند... (توبه/۷۱)

و جوب امر به معروف و نهی از منکر، خواه به دلیل عقل باشد و خواه به فرمان شرع و واجب عینی باشد یا کفایی، در همین راستا می باشد.

- این حقوق متقابل بین امام و امت هم وجود دارد. امیر مؤمنان می فرماید: «مردم مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی از شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت المال دارید بگزارم. شما را تعلیم دهم تا نادان ننمایند و آداب آموزم تا بدانید؛ اما حق من بر شما این است که به بیعت وفا کنید و در نهان و آشکارا حق خیرخواهی ادا کنید. چون شما را بخوانم بیایید و چون فرمان دهم بپذیرید و از عهده برآیید.» (نهج البلاغه خطبه ۳۶)

ج- ویژگیهای حکومت آرمانی اسلامی

۱- نظام شایستگی

در جامعه اسلامی انتصابات بر اساس لیاقت است و نه خودکامگی و سلیقه؛ ارزشیابی عملکرد مورد تأکید است و مبنای ارزشیابی کیفیت کار است نه حسب و نسب. امیر مؤمنان خطاب به مالک اشتر می فرماید:

- «پس در کار عاملان خود بیندیش، و پس از آزمودن به کارشان بگمار و به میل خود و بی مشورت دیگران مخصوصشان مدار که به هوای خود رفتن و به رأی دیگران ننگریستن، ستمگری بود و خیانت.» (نهج البلاغه نامه ۵۳)

- «و مبادا نکوکار و بدکار در دیدهات برابر آید، که آن رفعت نکوکار را در نیکی کم کند و بد کردار را به بدی وادار نماید و درباره هر یک از آنان، آن را عهده دار باش که او بر عهده خود گرفت.» (همان منبع) نکته جالب این است که نه تنها مدیران موظف به رعایت شایستگی در واگذاری مشاغل و مناصب هستند؛ بلکه افراد خود نیز موظفند چنانچه برای تصدی شغلی از

خود شایسته‌تری سراغ دارند، داوطلب آن شغل نشوند و گرنه مرتکب خیانت شده‌اند. از معصوم روایت شده است که اگر کسی برای تصدی پستی داوطلب شود، در حالیکه می‌بیند که در میان مردم کسی هست که از او برتر است، به خدا و رسول و همه مسلمانان خیانت کرده است.

۲- اجتناب از خودکامگی و تفرعن

مدیران جامعه اسلامی از خودکامگی، تکبر و تفرعن و ظلم نهی شده‌اند:

«نگو من اکنون بر آنان مسلطم؛ از من فرمان دادن است و از آنها اطاعت کردن؛ زیرا این کار عین راه یافتن فساد در دل و ضعف در دین و نزدیک شدن به سلب نعمت الهی است.» (محمد - فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷، ص ۹۱)

پرهیز از اینکه خود را در بزرگی و اقتدار یا خدا شریک و به او شبیه‌سازی (زیرا) خداوند هر متکبر گردنکشی را پست و زبون می‌سازد. (همان منبع، ص ۵۳)

«و آن که بر بندگان خدا ستم کند، خدا به جای بندگانش دشمن او بود و آن را که خدا دشمن گیرد دلیل وی را نپذیرد...» (نهج البلاغه نامه ۵۳)

۳- برابری در قانون

در جامعه اسلامی همگان برابرند و مدیران نمی‌توانند در چیزهایی که همه مردم به طور مساوی در آن سهم دارند، برای خود و یا برای بستگان خود چیزی بیشتر از دیگران اختصاص دهند. امیرمومنان به مالک فرمان می‌دهد:

«مبادا چیزی را که همه مردم به طور مساوی در آن سهم دارند، بیشتر از دیگران به خودت اختصاص دهی.» (محمد فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۲) و نیز می‌فرماید:

«همچنین فرماندار را نزدیکان و خویشانی است که به خودسری و گردنکشی و دست درازی (به مال مردم) و بی‌انصافی در خرید و فروش با آنان خو گرفته‌اند. تار و پودایشان را با از بین بردن موجبات آن روشهای نکویده برانداز. و به کسی از اطرافیان و خویشاوندان زمینگی و گذار مکن و به هیچ وجه اجازه مده (خویشاوندان و اطرافیان) مزرعه‌ای بستانند که با تسلطشان در

آن مرزعه، موجبات زیان همسایگان را (از قبیل تجاوز به آب یا تحمیل کارهایی که بایستی به طور شرکت انجام دهند) فراهم گردانند و هزینه کشتزار اینان بر روستائیان تحمیل شود. در این صورت استفاده اش مال آنها و بدنامی و سرزنش در دنیا و آخرت از آن تو خواهد بود. (همان، ص ۱۸۵)

۴- نقش تربیتی مدیر
- نبی اکرم اسلام فرموده اند دو گروهند که اگر فاسد شوند، امت فاسد می شوند و اگر صالح شوند امت صالح می شوند و آن دو صنف علما و رؤسا هستند (ولی الله تقی پورفر، ۱۳۷۶، ص ۲۱)

بنابراین مدیران باید الگو و اسوه باشند و آنچه را از دیگران انتظار دارند، نخست خود انجام دهند و تنها به شعار بسنده نکنند:

آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش بپردازد و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید باید به کردار ادب نماید. (نهج البلاغه، حکمت ۷۳ و نیز نامه ۴۵)

۵- ساده زیستن مدیران
در جامعه اسلامی مدیران باید ساده زندگی کنند، هم برای جلوگیری از رفاه زدگی و تجمل گرایی و هم همدردی با محرومان و هم تسلی خاطر آنها:

- «خدا بر پیشوایان دانگر واجب فرموده خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان و اندارد.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹) لهذا آن بزرگواران را سفیالان - «آیا بدین بسنده کنم که مرا امیر مؤمنان گویند و در ناخوشایندی روزگار شریک آنها نباشم یا در سختی زندگی، نمونه ای برای ایشان نشوم. (همان منبع، نامه ۴۵)

۶- ارتباط مستقیم با مردم و کسب اطلاع دست اول از خود آنان و فراهم آوردن امکان انتقال درست مشکلات و کاستی ها از طریق کنار گذاشتن حاجب و دربان و پاسدار و انتقال مستقیم

اطلاعات به خود آنان و جلوگیری از سوء تفاهم از هر دو جانب: «بخشی از برنامه روزانه‌ات را به نیازمندان اختصاص بده! شخصاً آنان را ملاقات کن و در مجلس عمومی با آنان شرکت نمای. در این مجلس به لشکریان و یارانت بگو کنار بروند و مزاحم اشخاص نشوند تا کسی که می‌خواهد با تو حرف بزند، بدون لکنت به تو گفتگو کند. زیرا من بارها از رسل خدا (ص) شنیدم که می‌گفت امتی که در بیانشان، حق ضعیف به آسانی و بدون ترس و لکنت از قوی ستانده نشود، مرکز پاک و آراسته نخواهد گردید.» (لنکرنی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۹)

«اما بعد، مبادا پرده‌نشینی و روشن ندادنت به رعیت، طولانی شود؛ چرا که غیبت زمامداران از مردم نوعی تنگنا (برای خود یا برای مردم) و آگاه نبودن به امور است. (همان، ص ۱۸۳)

۷- تأکید شدید نسبت به مراعات حال طبقه ضعیف: «سپس مالکا! خدا را در نظر بگیر درباره طبقه پایین از مردمی که چاره‌ای ندارند که عبارتند از: بی‌نویان و مشقت دیدگان و زمین‌گیرشدگان؛ زیرا در این طبقه هم قانع وجود دارد و هم معتر (محتاجی که اظهار نیاز نمی‌کند و محتاجی که سؤال می‌کند) و آنچه را که خدا از حق خود درباره ایشان به تو امر فرموده حفظ کن و به جا آور و برای آنان قسمتی از عائدات غنائم خالصه اسلامی، در هر شهر، در نظر بگیر. (محمود قوچانی، ۱۳۷۲: ۲۱۵)

بر مبنای اصل کفالت همگانی؛ یعنی مسؤولیت متقابل افراد نسبت به یکدیگر و اصل سهم بودن جامعه در درآمدهای دولتی، دولت اسلامی نه تنها موظف به ملزم نمودن مردم به رعایت تکالیف قانونی آنها در تأمین نیازهای ضروری افراد نیازمند می‌باشد؛ بلکه وظیفه دارد که سطح زندگی مناسبی برای کسانی که عرفاً به این حد از رفاه نرسیده‌اند، فراهم کند.

اصل کفالت همگانی از مسأله اخوت و رابطه برادری و عضویت در جامعه واحد بشری ریشه می‌گیرد که دولت ضامن اجرای آن است.

به موجب اصل سهم بودن مردم در منابع ثروت جامعه، دولت بیشتر از آنکه وظیفه داشته

باشد که احتیاجات ضروری و شدید را برطرف کند، موظف است که سطح زندگی متناسب با شرایط و مقتضیات رزق را برای افراد تضمین و تأمین نماید؛ زیرا مسؤولیت دولت در این مورد ضمان اعاله است و اعاله فرد، تهیه وسایل و لوازم زندگی او به میزان کافی می باشد. (صدر، محمد باقر، ۱۳۵۷، صص ۳۲۸-۳۱۹)

نتیجه گیری
بر اساس آنچه از قرآن کریم و نهج البلاغه به دست می آید. جامعه آرمانی اسلامی، جامعه فرهیختگان است. اگر افلاطون حاکمان مدینه فاضله را فلاسفه داشته است، در تفکر اسلامی شهروندان جامعه آرمانی اسلامی نیز باید اهل تفکر و اندیشه باشند.

در ناکجا آباد اسلامی از رفیق بازی خبری نیست؛ زیرا که در جهان بینی اسلامی در دستگاه خلقت چنین رابطه ای وجود ندارد: لیس بین الله و بین احد هواده.

فرمانروایان جامعه اسلامی حق خودکامگی و تفرعن ندارند. حقوق آنان با حقوق هر شهروند دیگری یکسان است و در برابر قانون با همگان برابرند. حتی فراتر از این، مدیر مسلمان باید در اطاعت از قانون، عمل به مقررات و ساده زیستی الگو و اسوه باشد و دیگران او را سرمشق خویش بشمارند. مدیر مسلمان باید گرفتار بوروکراسی نشود، حاجب و دربان او را از ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با مردم باز ندارد و از حال محرومان غافل نشود و جان کلام اینکه: من نصب نفسه للناس اماماً فعليه ان يبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره و ليكن تا ديبه بسيرته قبل ان يكون بلسانه و معلم نفسه و مؤدبها احق للاجلال من معلم الناس و مؤدبها.

کسی که خود را راهنما و امام مردم قرار می دهد، بر اوست که قبل از آموزش دیگران به آموزش خودش پردازد و باید که آموزش به رفتار باشد پیش از آنکه به زبان باشد و کسی که خود را تعلیم می دهد و تربیت می کند از معلم و مربی دیگران، یعنی کسی که حرفه اش معلمی است بیشتر سزوار تکریم است.

منابع و یادداشتها

- ۱- مطهری، مرتضی: تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۲.
- ۲- مطهری، مرتضی: ده گفتار، چاپ نهم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
- ۳- مطهری، مرتضی: انسان کامل، چاپ ششم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
- ۴- صدر، محمدباقر: اقتصاد، ترجمه عبدالعلی سپهبدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷.
- ۵- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران: پیام امام، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
- ۶- نوری، حسین: امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمد مهدی اشتهازدی، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱.
- ۷- شهیدی، سید جعفر: ترجمه نهج البلاغه، چاپ ششم، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۸- لنکرانی، محمدفاضل: آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، چاپ ششم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۹- قوجانی، محمود: فرمان حکومتی، پیرامون مدیریت، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۰- تقی پورفر، ولی الله: مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، مرکز آموزش مدیریت اسلامی و الگوهای آن، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۱- اورعی یزدانی، بدرالدین: بررسی مقایسه‌ای انگیزش در فرهنگ غربی و فرهنگ اسلامی، دانش مدیریت، شماره ۲۳، زمستان ۱۳۷۲، صص ۱۴-۵.
- ۱۲- اورعی یزدانی، بدرالدین: طراحی الگوی انگیزش در اسلام، رساله دکتری مدیریت، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، ۱۳۷۶.